

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

( بخش 62 )

### وضعیت کودکان افغانستان

وضعیت کودکان کشور که در واقع، آینده سازان جامعه و تاریخ اند، با دریغ که همانند سایر بخشهای هستی فردی و اجتماعی افغانستان، در دهه نخست قرن بیست و یکم و تحت زعامت حامد کرزی خیلی درد انگیز بود (و هنوز هم هست). هزاران کودک یتیم، معلول، بیمار، بیگس و بی پناه در سراسر کشور وجود داشتند و دارند که هیچ مرجع داخلی یا خارجی در مورد حال و آینده آنان کاری انجام نداده و نمیدهد. در اوایل سال 2001 - 2002م برخی از مؤسسات بین المللی و بعضی ان.جی. او.ها، (مؤسسات غیرحکومتی) یک سلسله برنامه ها یا پروژه هایی را ظاهراً بخاطر واریسی وضعیت کودکان، تعلیم و تربیه یا معالجه و سرپرستی آنها رویدست گرفتند، ولی کارها و وعده های شان بسیارزود فروکش کرد و این موجودات معصوم و بیکار و بینوا را بحال خود شان رها کردند. دولت حامد کرزی نیز اصلاً نه توجه لازم در این مورد مبذول داشت و نه پروژه و برنامه ای برای بهبود وضع و حال آنان رویدست گرفت. عدم توجه، عدم مصونیت، نبود رفاه اجتماعی و فقدان شرایط مساعد زیست و همچنان عدم دسترسی به بهداشت،

تعلیم، تربیه و پرورش سالم موجب گردید تا آمار بیماری و مرگ و میر هزاران هزار کودک در کشور، سیر صعودی داشته باشد.

علاوه از آن، فقر شدید اقتصادی که دامنگیر ملیونها خانواده بود، موجبات فروش کودکان از سوی پدرها و مادرها را فراهم مینمود. البته موارد زیادی از جریان چنین خرید و فروش غم انگیز کودکان در رسانه های جمعی نیز انعکاس یافت. آنچه بیشتر از پیش به این درد بزرگ می افزود، عبارت از اختطاف کودکان افغان از سوی باندهای تبهکار به منظور تجاوز جنسی و یا فروش اعضای بدن آنها برای ثروتمندان عرب و عجم بود. بیکاری و بی سرنوشتی کودکان در کنار نیازمندیهای خانواده های شان، معضله بزرگ و لاینحلی را تشکیل میداد. بنابراین، در شهرهای بزرگ کشور، بخصوص در شهر کابل، هزارها کودک زیر سن قانونی در کوچه ها و خیابانها دیده میشدند که مصروف دست فروشی از قبیل ساجق، سگرت، پاکت، تخم مرغ، غذای آماده، قلم، کتابچه، پلاستیک، دستمال غیره بودند تا بتوانند بدین وسیله، تنها لب نان خشک برای مادر بیوه، خواهر و برادر کوچک تر از خودشان و یا والدین معلول و معیوب را مهیا سازند.

همچنان، هزارها کودک دیگر مشغول کارهای شاق و بالاتر از حرفه و توان کودکانه شان در بخشهای مثلاً موترشویی، پالش کفش، ترمیم بایسکل، خشت ریزی و خشت پزی، حمالی، کار در معادن و کارهای ساختمانی و امثالهم بودند. آنچه گفته آمد به تنهایی سختی های هستی کودکان افغان را تشکیل نمیداد، بلکه حتا از وجود آنها در عملیات جنگی، لوژستیک، انتحاری و انفجاری از سوی تروریستها نیز کار گرفته میشد. این موضوع نیز بگونه مستند و مصور در رسانه های داخلی

افغانستان انعکاس گسرنده داشت. سو استفاده جنسی و عمل لواط بالای کودکان (دختریا پسر) نیز رو به گسترش بود. گزارشهای زیادی مبنی بر تجاوز جنسی حتا عده یی از ملامام های مساجد بالای کودکان معصوم (دختر و پسر) در نقاط مختلف افغانستان در رسانه های داخلی به نشر رسیدند که برای هرانسان باوجدان، غم انگیز و تکان دهنده بود. همین ماه جولای سال 2015م بود که گزارش غم انگیز مربوط به اختطاف یک کودک (سه ساله) در شهر کابل، تجاوز جنسی دستجمعی بالای او و بالاخره، کشیدن چشمها و به قتل رسانیدنش از طریق رسانه های جمعی داخل افغانستان منتشر شد.

یکی دیگر از موضوعات نگران کننده پیرامون هستی و سرنوشت کودکان افغانستان، بخصوص در دوران سالهای زعامت حامد کرزی، علاوه از سو استفاده های جنسی، رقصاندن و بی حرمتی آشکار به شخصیت آنان نیز بود که بنام " بچه بازی " یاد میشود. اسناد و مدارک تصویری زیادی نیز از سوی رسانه های تصویری کشورهای جهان در این باره به نشر رسید که هم شرم آور بود و هم تکان دهنده.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان طی دومین گزارش تحقیقی و مفصل خویش که تحت عنوان " عوامل و پیامد های بچه بازی در افغانستان " به نشر رسید و خبرگزاری بی بی سی نیز آنرا بتاريخ بیستم ماه آگست 2014م به نشر رسانید، گفت که : " از تحقیقات ( مصاحبه هایی ) که از یک هزار و نهصد نفر در چهارده ولایت افغانستان بعمل آمده است، چنین استنباط میشود که کودکان بین سنین 10 تا 18 ساله از سوی افراد پول دار و زورمند غرض بهره کشی جنسی استخدام میشوند

و این زورمندان و متنفذین و تفنگداران، اصلاً از فقر و درمانده گی کودکان سواستفاده میکنند. "

یکی از منسوبین کمسیون حقوق بشر افغانستان به خبرگزاریها گفت که " این کودکان که اغلب از خانواده های فقیراند، توسط برخی از اشخاص پول دار بعنوان محافظ شخصی، شاگرد و کارگر در دکان، نانوائی و تعمیرگاه، مستخدم هتل و رستوران یا سایر وظایف در بدل پرداخت پول یا استفاده از زور، تهدید، حيله و نیرنگ یا تطمیع نگهداری شده و مورد سوء استفاده های جنسی نیز قرار میگیرند... در بعضی مناطق، از این کودکان، در حالیکه لیا س زنانه به تن دارند، در مهمانی ها و محافل عروسی بعنوان رقص استفاده میشود و پس از ختم این محافل، به خانه های شخصی یا هتل هابرده شده و مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند... "

اختطاف و فروش کودکان افغانستان، مصیبت اجتماعی دیگری بود که در همین سالها به شدت ادامه داشت و گهگاهی گزارش های مربوط به کشف موضوع و دستگیری عاملان اختطاف از سوی منابع امنیتی افغانستان به رسانه ها به نشر میرسیدند. مثلاً، نشریه الکترونیک " آوا " بتاريخ 29 ماه اسد سال 1393 خورشیدی از قول منبع امنیتی ولایت پروان نوشت که " صبح روز سه شنبه، نیرو های امنیتی، یک موتر مسافر بری نوع 404 را که از تخار به سمت کابل در حرکت بود در چوک چهاریکار متوقف کردند که حامل تعداد 22 کودک ربوده شده بود که به پاکستان انتقال داده میشدند. این گزارش در حالی به نشر رسید که

یکسال قبل از آن نیز اداره امنیت ولایت بغلان اطلاع داده بود که از اختطاف و انتقال 27 کودک افغان به پاکستان جلوگیری بعمل آوردند. "

اختطاف کودکان، تا آنجا که افشاً گردیده به مقاصد آتی صورت میگرد:

1-سو استفاده جنسی

2- پرورش و آماده سازی برای عملیات انتحاری و انفجاری

3- استفاده از اعضای بدن، بخصوص استفاده از گردنه ها (کلیه ها)

4- فروش آنها برای ثروتمندان عرب و عجم غرض پیشبرد کارهای شاق و یا خوش گذرانی

5- انتقال سلاح و مواد مخدر از یک مکان به مکان دیگر.

البته این گزارشها، بخش بسیار اندکی از همه اختطاف ها، بیداد گریها و بازی های غیر انسانی با هستی و آینده کودکان افغانستان را بیان مینمود.

آمارها و گزارش های " یونیسف " و بخش مسوول حفاظت از کودکان حقوق بشر، (شعبه یوناما) در افغانستان حاکی از آن بود که به تعداد پنج ملیون کودک (اعم از دختر و پسر)، از نعمت تعلیم و آموزشهای رسمی محروم اند. به تعداد شصت و پنجهزار کودک تنها در شهر کابل روی خیابانها مصروف کارهای شاق هستند. هشتاد هزار کودک، معتاد به مواد مخدر میباشد.

همچنان در مورد تلفات جانی کودکان در تحت شرایط جنگ و ناامنی در کشور، گزارشهای یوناما بیانگر آن بود که در سال 2009م به تعداد نهصد و هشت کودک، در سال 2010م به تعداد یکهزار و چهارصد کودک، در سال 2011م دو هزار و دوصد کودک و در سال 2012م یکهزار و پنصد کودک به قتل رسیده اند. اخبار و گزارش های مربوط به خود کشی تعدادی از جوانان کشور که در نتیجه فقر صورت میگرفت و مرگ کودکانی که در اثر گرسنه گی بوقوع می پیوست، نیز در رسانه های افغانستان بازتاب داشت.

روزنامه " افغانستان " بتاريخ چهاردهم ماه جوزای سال 1390 خورشیدی از قول منابع رسمی نوشت که " شش میلیون کودک با خطرهای گوناگون مواجه هستند و به تعداد پنجهزار و نهصد کودک افغان بطور غیر قانونی از کشور به اروپا انتقال داده شده اند."

شبکه خبر رسانی افغانستان، بتاريخ بیستم ماه حوت سال 1393 خورشیدی از قول منابع آگاه نوشت که " تنها طی نه ماه سال روان (2014م)، هشت هزار کودک {افغان} از افغانستان به کشورهای خارج قاچاق شده است ..."

خبرگزاری بی بی سی نیز گزارشی را به نقل از وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، به تاریخ 27 ماه جولای 2015م در مورد وضع و حال کودکان افغانستان به نشر رسانید که ما اینک، بخشهایی از آن گزارش را در اینجا درج مینماییم:

" وزارت خارجه امریکا در گزارش سالانه خود از وضعیت قاچاق انسان در کشورهای مختلف جهان، گفته است که بیشترین قربانیان این پدیده در افغانستان، کودکان و نوجوانان هستند... کودکان در کارگاه های قالین بافی، کارخانه های آجرپزی { خشت پزی }، منازل مسکونی، بهره کشی جنسی، گدایی، قاچاق مواد مخدر به بیرون از مرزها و همچنین بعنوان کمک راننده ماشین های باری در داخل افغانستان، آسیای میانه، اروپا و جنوب آسیا استفاده میشود... شماری از پسران افغان که با پرداخت پول و به صورت غیرقانونی وارد یونان شده اند، در این کشور به دست قاچاقچیان سکس { لذایز جنسی } افتاده اند... شماری از خانواده های افغان، آگاهانه فرزندان خود را برای فحشا و استفاده در بچه بازی میفروشند... در مواردی، خانواده هایی که به کاشتن خشخاش مشغولند نیز برای بازپرداخت بدهی های خود به قاچاقچیان مواد مخدر، فرزندان شان را میفروشند..."

خبرگزاری " آوا " بتاريخ پنجم ماه سرطان سال 1393 خورشیدی از قول مسوولین دفتر ساحوی سازمان ملل در افغانستان نوشت که : " طی سال جاری میلادی، تلفات کودکان در سراسر کشور، سی درصد افزایش داشته و تعداد زخمی شده گان نیز دو برابر شده است ... جنگ، زنده گی اطفال را از نظر فزیک و روانی به مخاطره می اندازد و اطفال، قشری آسیب پذیر است که نیاز به حمایت دارند... تمامی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، کنوانسیون بین المللی حقوق کودک را امضا کرده و تعهد نموده اند که از اطفال حمایت میکنند."

خبرگزاری " آوا " همچنان از قول "کارک " مسوول دفترساحوی نماینده گی سیاسی سازمان ملل درشمال افغانستان نوشت که " براساس دفترحقوق بشر یوناما، درسال 2013 درسراسر افغانستان، به تعداد 1694 کودک کشته و زخمی شده اند که از این میان، 545 تن کشته و 1149 تن دیگر زخمی شده اند... از تاریخ 25 جون سال 2014، در مقایسه با سال گذشته، تعداد تلفات اطفال، سی درصد افزایش داشته و تعداد زخمیان دو برابر شده است..."

دراینجا، نمونه های مختصری از رُخداد های ناهنجاروتکان دهنده علیه هستی، حقوق انسانی و حیثیت کودکان افغان، بخصوص در دهه زعامت حامد کرزی را درج مینماییم :

\* یک افسر ارتش افغانستان در ولایت تخار، بالای یک دختر خورد سال تجاوزجنسی انجام داده و سپس او را به قتل رسانید.

\* یکی از جنگ سالاران ولایت قندوز بنام " مجتبی " در ماه اکتوبر سال 2006م بالای دختر یازده ساله متعلق به یک زن بیوه و بی سرپرست تجاوزنموده و بعداً او را در برابر یک قلاده سگ جنگی مبادله کرد. این دختر خوردسال، توسط شخصی بنام " ملا نظر " ربوده شده بود.

\* باسناد گزارش نشریه " پندار " سال 2008م، یک منبع ریاست زنان ولایت بلخ گفت که " سال گذشته در حدود چهار قضیه تجاوزجنسی بالای اطفال و پنج قضیه لواط بالای اطفال را ثبت نموده اند. " منبع مذکور همچنان گفته است " شاید صد



ها قضیه از این دست در جاهای مختلف صورت گرفته باشد که خانواده ها بخاطر حفظ آبروی شان ، آنرا افشا نمیکنند.

\* دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بتاريخ بیست و پنجم ماه حوت سال 1391 خورشیدی اعلام نمود که " از میان حدود یکصد و چهل قضیه تجاوز جنسی در این کشور که در دو سال گذشته به ثبت رسیده، هشتاد درصد این قضایا را تجاوز بر اطفال تشکیل میدهد. "

\* شخصی بنام "جمعه مراد" باشنده کلداری ولایت بلخ، بالای کودک پنجساله بنام " صدیقه " تجاوز جنسی نمود و کودک مذکور در بیمارستان تحت معالجه قرار گرفت.

\* مرد دیگری نیز در ولایت سمنگان، بالای یک دختر هفت ساله تجاوز نمود و کودک نیز در بیمارستان گردید.

\* یکی از هموطنان مطبوعاتی در صفحه " فیسبوک " خویش نوشت که " یک دختر بچه 3 ساله در تخار، یک دختر بچه 5 ساله در مزار، یک دختر بچه 8 ساله در سمنگان و یک پسر بچه 13 ساله در ولایت هرات مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند.

\* یک کودک ده ساله در ولسوالی آقچه، اولاً ربوده شده و پس از تجاوز جنسی دستجمعی ، به قتل رسانیده شد. این کودک، شاگرد صنف چهارم بود و پدرش را از دست داده و با مادر خود زنده گی میکرد. ( 276 )

\* دختر بچه ده ساله بنام " سونیا " در ماه جون سال 2008م، اولاً توسط سه فرد از منسوبین اردو ربوده شد. بعداً توسط یکی از افسران اردو در داخل پایگاه ( در دفتر کارش ) در شبرغان مورد تجاوز جنسی قرار گرفت .

\* دفتر حقوق بشر شبرغان گفت که " در سال 2007م، سی و یک مورد و در سال 2008م، چهار مورد تجاوز جنسی بالای کودکان را ثبت نموده اند. "

\* یک گروه هفت نفره در سال 2007م در ولایت بلخ، بالای یک دختر بچه سیزده ساله تجاوز گروهی انجام دادند که هیچ یکی از تجاوز کاران هم مجازات نشد. \* قرار گزارش دفتر حقوق بشر قندهار، یک پسر بچه چهارده ساله در هرات مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و پولیس هم بجای دستگیری مجرم و بازخواست لازم، پسر بچه مظلوم را به زندان انداخت.

\* همین منبع همچنان از قول ریاست شفاخانه هرات علاوه نمود که " در هر ماه، سه تا پنج کودک که مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند، غرض معالجه به شفاخانه آورده میشوند.

\* یک کودک پنج ساله در ولایت هرات، پس از آنکه در ماه جولای 2014م، مورد تجاوز جنسی از سوی دو مرد قرار گرفت، جان باخت.

\* یک ملامام مسجد در ولایت قندوز، بالای یک دختر بچه ده ساله که نزدش سبق می آموخت، در منطقه کوبه شهر قندوز، تجاوز جنسی انجام داد.

\* بتاريخ نهم ماه جولای 2013م، بالای یک نوجوان در ولایت بامیان، تجاوزجنسی گروهی صورت گرفت. قرارگزارش خبرگزاری بی بی سی، متجاوزین شش نفر بوده و با افراد و منابع زورمند آن ولایت مرتبط هستند. باسناد گزارش، این موضوع وقتی افشا گردید که افراد مجرم از عمل لواط فلم برداری نموده و آنرا تکثیر کردند. اداره امنیتی شهرک کهمرد به بی بی سی گفت که هر شش تن متجاوزین دستگیر شده اند. اما پدر نوجوان اظهار نمود که چون آنها (متجاوزین) از پشتیبانی افراد زورمند برخوردار هستند، بنابراین باور ندارد که مورد مجازات قرار گیرند.

\* یک دختر زیر سن ده سال، در ولایت سمنگان مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و غرض معالجه به شفاخانه شهر مزار انتقال داده شد.

\* یک کودک سه ساله در ولایت تخار، به شکل بیرحمانه بی مورد تجاوز جنسی یک مرد بیست و شش ساله قرار گرفت.

\* یک دختر بچه پنج ساله در بلخ، مورد تجاوز جنسی یک مرد بیست و دو ساله قرار گرفت و بهمین مناسبت، مدتی بحال بیهوشی قرار داشت.

\* در ولایت هرات، یک نوجوان سیزده ساله، پس از آنکه توسط دو نفر مورد تجاوز جنسی قرار گرفت، درختم تجاوز، توسط متجاوزین به قتل نیز رسانیده شد. (268)

\* یک کودک دوساله در هرات توسط یک مرد بیست و دوساله مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و جان داد.

\* بالای یک دختر بچه خورد سال (پنجساله) در شهرک امام صاحب مربوط ولایت قندوز، از سوی مردی بنام " حنیف " تجاوز جنسی انجام داده شد.

\* در ماه اکتوبر 2014م، یک کودک شش ساله در منطقه " حاجی عزیز " مربوط ولایت قندهار، از سوی یکنفر، مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. قبل از این، دفتر ساحوی کمیسیون حقوق بشر در ولایت قندهار، از افزایش عمل تجاوز جنسی بالای کودکان ابراز نگرانی نموده بود.

\* از قول دفتر رسانه های وزارت امور داخله افغانستان گزارش داده شد که " سه مرد، بالای یک دختر سه ساله در ولسوالی { شهرک } رستاق ولایت تخار تجاوز کرده اند. مردان متجاوز، قربانی شان را پیش از چاشت روز دوشنبه در جریان بازی های کودکانه ربوده و پس از آن، بالای تجاوز کرده اند. کودکی که بالای تجاوز صورت گرفته، شام همان روز با بدن عریان از یک باغ در نزدیکی خانه شان دریافت شده است ... "

\* یک فرد نرزه ساله در ولسوالی (شهرک) شولگره مربوط ولایت بلخ ، بالای یک دختر خورده سال (پنج ساله) تجاوز جنسی انجام داد. قبل از آن نیز، سه فرد مسلح ( واسطه دار) در شهرک رستاق مربوط ولایت تخار، بالای یک کودک سه ساله بنام " نیلوفر " تجاوز جنسی انجام داده بود.

از ارتکاب این عمل نا روا، بیشتر از ششماه سپری شده بود که به قول خبرگزاری " خامه پرس"، پدر نیلوفر، کودک سه ساله، وارد کابل شد و ضمن تماسگیری با رسانه ها اظهار داشت که " ریاست دادستانی تخار از وی به خاطر

رسیده گی به پرونده دخترش، از او پول خواسته است... " این درحالی بود که " نورالدین " پدر نیلوفر اظهار نمود که چنان بی بضاعت و بی واسطه است که حتا پول کرایه موتر از تخار تا کابل را از دیگران قرض کرده است. او همچنان گفت که " یکی از تجاوزکاران برکودکش، عزیزالله نام دارد و پس از اینکه قضیه {تجاوز بر} کودکش را به نهاد های عدلی و قضایی در میان گذاشت، از سوی خانواده عزیزالله و دو فرد متجاوز دیگر به مرگ تهدید شده است ."

در همین شب و روز، رسانه ها افشا نمودند که یک مرد افغان با یک دختر هفت ساله ازواج نموده است. چنانکه رسانه های تصویری، کودک هفت ساله و مرد بزرگسال را که در کنارش قرار داشت، نیز به نمایش گذاشتند.

تحقیر، تهدید و نقض حقوق انسانی کودکان در همینجا خلاصه نمیشد. دستگاه اردو و پولیس افغانستان تحت رهبری حامد کرزی نیز چنان فاسد بودند و انحطاط اخلاقی در چارچوب این دستگاه ها چنان بیداد میکرد که بعضی از منسوبین آن، بجای تأمین امنیت مالی و جانی مردم و رعایت حقوق انسانی اتباع کشور، خود با سوء استفاده از موقف رسمی خویش در اکثر اعمال سرقت، اختطاف، بچه بازی و تجاوز جنسی بالای کودکان بی پناه مملکت متوسل میشدند و کمترین بازخواست و عدالت سراغ نمیشد. همچنان دستگاه قضایی کشور چنان ضعیف، فاسد، رشوه ستان و خلافکار بود که به مشکل میتوانست قانون و عدالت علیه مجرمان، غاصبان و تجاوزکاران را تطبیق نماید.

در بخش تهدید ها و تجاوزها علیه کودکان افغانستان و عدم موجودیت مکانیسم های حقوقی و عادلانه، یکی از فعالان حقوق بشر ( اجمل بلوچ زاده ) به یکی

از خبرنگاران افغان گفت: " طفل، شرایط خاص خود را کار دارد. وکیل مدافع خاص خود را کار دارد. زبان خاص خود را کار دارد. محکمه خاص خود را کار دارد که مشکلاتی که سر راه اش به وجود آمده، آنها را حل کند. اما فعلاً ما چنین چیزی را نداریم. به همین اساس یک حوزه خاص برای اطفال، چه از نگاه جزایی، چه از نگاه محاکم، چه از نگاه پولیس اختصاصی {که باید برای اطفال وجود { می } داشت، متأسفانه نداریم. این عوامل باعث میشود که افراد فرصت طلب و افرادی که همواره تلاش میکنند که انتقام بگیرند، می آیند و کودکان را مورد حمله قرار میدهند...

اداره حقوق بشر افغانستان، از افزایش میزان تجاوز جنسی بالای کودکان در کشور، پیوسته اظهار نگرانی میکرد. یکی از مسوولان این اداره به رسانه ها گفت که " از میان حدود 140 قضیه تجاوز جنسی که در دو سال گذشته سالهای (1390-1391 خورشیدی) به ثبت رسیده هشتاد درصد آن را تجاوز جنسی بالای اطفال تشکیل میدهد."

یک تن دیگر از مسوولان اداره حقوق بشر در ولایت بلخ بخ خبرگزاری " بُخدی " گفت که " شاید صد ها دختر و یا طفل وجود داشته باشد که قربانی خشونت های غیر انسانی مانند تجاوز و لواط در خانواده ها از طرف اقارب و یا هم نزدیکان خود قرار گرفته باشند، اما بسیاری از خانواده ها بخاطر حفظ آبرو در جامعه، از آشکارا ساختن این موضوع خود داری میکنند. " و در فرجام، مؤسسه زنان افغانستان نوین، باسناد ارزیابی جدیدی که به همکاری وزارت امور زنان افغانستان انجام داد و آنرا در ماه سپتمبر 2014 میلادی به نشر رسانید، مدعی شد

که ظرفِ شش ماه گذشته، 245 مرتبه، تجاوزِ جنسی به زنان و کودکان صورت گرفته است. مؤسسه مذکور علاوه نمود که آنهمه تجاوزها در ولایات قندوز، تخار، جوزجان، بلخ، سرپُل و هرات انجام داده شده اند.

رییسۀ این مؤسسه به رسانه ها گفت که " معافیت از مجازات، حمایتِ شماری از قدرتمندان از مجرمین، عدم آگاهی از ارزشهای دینی، عدم تبلیغِ علمای دین و مصارفِ سنگین ازدواج ها، دلایل اصلی تجاوزهای جنسی خوانده میشود. "

به صورتِ فشرده باید گفت که مواردِ آتی در چگونگی هستی و تعیین سرنوشت آینده کودکانِ وطن دخالت آشکار داشت :

\* آموزش و بهره برداری از کودکان به منظور نقل و انتقالِ مواد مخدر و اشیای غیر قانونی

\* استفاده نا مشروع از وجود کودکان بخاطر تگدی یا گدا گری در شهر ها بگونه سازمان یافته

\* آموزش و آماده سازی کودکان غرض ارتکابِ سرقت ، جیب بُری و غیره

\* سوءاستفاده از وجود کودکان به منظور تجاوز جنسی، رقاصی و اعمال خلاف اخلاقی

\* به دام اندازی کودکان، به هدفِ قاچاقِ آنها بخارج و فروش اعضای بدن آنان

\* بکارگیری کودکان در کارهای شاق مثلاً، خشت پزی، امور تعمیراتی، مالداری و زراعتی و ...

\* آموزش و بکارگیری کودکان در امورخبرچینی و خبررسانی

\* آموزش و آماده سازی کودکان غرض ارتکاب اعمالِ انتحاری و انفجاری

( ادامه دارد )